زنان در انقلاب اسلامی پیشتاز بودند

آن چادرها...

■ مصطفی آخوندی ■

زنان، این عناصر فضیلت و ارزش‌های الهی دارای برکات زیادی هستند و به‌عنوان نیمی از جامعه بشریت، همواره بیشترین بار مشکلات را بر دوش می‌کشند و نوعا شریک غم خانواده هستند. اسلام برخلاف جوامع و تمدن جاهلی که زنان را حقیر و ضعیف و دون شمرده و آنان را در خدمت ابتذال و فساد گرفته بود، به زنان، شخصیتی باکرامت و مقامی والا بخشید. این مقام و منزلت، توأم با فداکاری و ایثار، در پرتو انقلاب اسلامی تجلی یافت و عطر شکوفایی این موجود بزرگوار و بافضیلت، جهانیان را به شگفت آورد، تا آنجا که از سوی خبرگزاری‌ها و تحلیلگران، انقلاب اسلامی «انقلاب چادرها» نام گرفت. زنان، این عناصر عفاف و نجابت، نه‌تنها در پیروزی انقلاب اسلامی سهم بزرگی ایفا کردند، بلکه در تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تداوم انقلاب اسلامی حرف نخست را زدند و با حضور در صحنه انقلاب اسلامی، توطئه‌های دشمنان را در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... نقش بر آب کردند. در این مقاله تلاش شده است با بهره‌گیری از سخنان گهربار معمار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، نقش و سهم بزرگ زنان در پیروزی انقلاب، به تصویر کشیده شود و تلاش و منزلت این بزرگواران عیان شود. ۴ عنوان «تحول فکری و روحی زنان»، «حضور زنان در صحنه انقلاب اسلامی»، «انگیزه حضور زنان در انقلاب اسلامی» و «ویژگی زنان انقلابی» محورهای اصلی این تصویر است.

۱ـ تحول فکری و روحی زنان

هنر انقلاب اسلامی این بود که زنان جامعه ما را متحول ساخت و در مسیر اسلام و ارزش‌های الهی هدایت کرد و از بی‌هویتی و بی‌بند و باری و ابتذال که سوغات غرب بود، به سوی عزت‌خواهی، عفاف، درک شخصیت و کمال‌جویی و تحول فکری و روحی هدایت کرد و از دون‌مایگی به اوج انسانیت ارتقا بخشید. زنان مسلمان در انقلاب اسلامی شخصیت و هویت خویش را یافتند و به مقام و منزلت والای خویش پی بردند و بینش سیاسی، فرهنگی و اجتماعی پیدا کردند. این تحول فکری و روحی بزرگی که نصیب زنان شد، موهبت الهی بود که امام خمینی بارها از آن به بزرگی یاد کرده و آن را افتخار بزرگ ملت ایران دانستند: «من در جامعه زن‌ها یک جور تحول عجیبی می‌بینم که بیشتر از تحولی است که در مردها پیدا شده[است]». «خانم‌هایی که در قبل وضعشان یک نحو دیگری بود و رژیم آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند». «نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد به وجود آورده که ره صد ساله را یک شبه طی نموده است». «این یک تحولی بود که بشر نمی‌توانست این تحول را درست کند. این تحول الهی بود». «این تحول که در ایران پیدا شد، تحول همه‌جانبه بود». یعنی زنان در تمام زمینه‌های روحی، فکری، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و انگیزه‌ها و اهداف، الهی شده بودند و می‌خواستند در صبغه اسلام قرار گیرند و در مسیر حضرت زهرا(س) و زینب کبری(س) قدم بردارند. زنان مسلمان از حالت بی‌اعتنایی بیرون آمدند و نسبت به سرنوشت خود و خانواده خویش و اسلام احساس مسؤولیت کردند: «همان زن‌هایی که آن وقت که- هیچ- بی‌تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین‌ها وارد شدند در میدان و دیدیم که خوب هم می‌توانند انجام وظیفه کنند».

■ **تحول فرهنگی**

در تهاجم فرهنگی غرب، زنان را در مسلخ «فروش کالا» و «فساد و فحشا» قربانی کرده و این مرکز عطوفت و فضیلت را به گرداب ابتذال کشانده بودند. در طول ۵۰ سال سیاه حاکمیت خاندان فاسد پهلوی، زنان مسلمان زیر فشار و یورش فرهنگی استعمار و استکبار دست و پا می‌زدند. رضاخان این مهره استعماری و استبدادی، خشن‌ترین شیوه را در اشاعه فرهنگ مبتذل غرب، در قالب کشف حجاب به کار برد. اسلام و انقلاب آمد و زنان را از این منجلاب فرهنگی نجات داد و آنان را به اخلاق اسلامی و حجاب و عفاف و فضیلت‌ها آراسته کرد: «این اسلام که در ایران زنده شد، آن خدمتی را که به بانوان کرده است و خواهد کرد، ارزشش به اندازه‌ای است که نمی‌توانیم ما توصیف کنیم. اگر نبود این انقلاب و نبود این تغییر و تحولی که در ایران واقع شده بود، بعد از چند سال دیگر اثری از اخلاق اسلامی در ایران نبود». «اینجانب به زنان پرافتخار ایران، مباهات می‌کنم که تحولی آنچنان در آنان پیدا شد که نقش شیطانی بیش از ۵۰ سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی‌شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان و دستگاه‌های تبلیغاتی مزدور را نقش بر آب نمودند و اثبات کردند که زنان ارزشمند مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه‌های شوم غرب و غرب‌زدگان آسیب نخواهد پذیرفت». «جز مشتی زنان مرفه طاغوتی و وابستگان ساواکی و سرسپردگان آنان دیگر قشرهای میلیونی زنان متعهد که اساس ملت مسلمان‌اند، در دام فریب دلباختگان به غرب نیفتاده و با عمل خود در طول پنجاه سال سیاه، با روی سفید نزد خدا و خلق شجاعانه مقاومت نمودند». بنیانگذار انقلاب اسلامی خطاب به روشنفکران مرتجع و دلباختگان بی‌بند و باری و ولنگاری غرب فرمود: «آیا زن‌ها در ایران دیگر کنار رفتند به کلی، یا همدوش مردها در کارهای سازنده داخل‌اند؟ شما می‌خواهید که زن‌های اینجا هم بی‌بند و بار باشند، هر جور می‌خواهند باشند؟ این برخلاف آن تحولی است که در خود زن‌ها پیدا شده است.»

■ **میل به مبارزه**

رها کردن زندگی آرام و بی‌دردسر و روی آوردن به زندگی پرمخاطره و مبارزه با طاغوت یکی از تحولاتی بود که خداوند در وجود زن‌ها به وجود آورد. آن ترس و وحشتی که از طاغوت داشتند، از میان رفت و شجاعت و شهامت جای آن نشست. زنان مسلمان از چکمه‌پوشان و سرنیزه‌های گارد شاهنشاهی واهمه‌ای به دل راه نمی‌دادند و از زخمی و کشته شدن نمی‌هراسیدند. امام راحل اینگونه این تحول را بیان می‌کند: «(خداوند) قلب‌ها را از آن وحشت بیرون آورد، از آن وحشتی که از این رژیم‌ها همه داشتند، از آن وحشت بیرون آورد و به جای آن تصمیم و شجاعت به ایشان داد، به طوری که زن‌ها، بچه‌ها و مردها، همه به مبارزه برخاستند. کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید مقابل توپ و تانک بایستد؟ این یک تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت تحول را ایجادفرمود».

■ **تحول سیاسی**

بانوان به برکت انقلاب اسلامی و هدایت‌های پیامبرگونه امام خمینی چنان از بینش سیاسی برخوردار شدند که دشمنان اسلام و انقلاب از گمراه کردن آنان ناامید و درمانده شدند. زنان با شناختی که از ماهیت و ترفندهای دشمنان اسلام پیدا کردند گام در میدان مبارزه و سیاست نهادند و خصم دون را از صحنه بیرون راندند. امام خمینی در دیدار زنان مناطق ساحلی جنوب ایران با اشاره به این تحول بزرگ سیاسی می‌فرماید: «در اینکه می‌بینم گوینده شما بانوان ساحلی، مسائلی را که مطرح می‌کند، مسائل روز است، مسائل سیاسی روز است، مسائل اجتماعی روز است، همان طور که بانوان دیگر در مراکز و در سایر جاهای ایران مسائلی را که مطرح می‌کنند، مسائل روز و مسائل سیاسی و اجتماعی است، که این تحول به برکت این نهضت اسلامی پیدا شده، من امیدوارم که این تحول باقی بماند». و درباره بانوان محله چهارمردان قم فرمودند: «بانوان قم و چهارمردان پیشرو نهضت اسلامی بودند. رشد سیاسی خود را اثبات کردند».

■ **تحول اجتماعی**

زنان در انقلاب اسلامی شیفته کمک‌رسانی به محرومان و مستضعفان بودند و به شوق یاری رساندن به کشاورزان و قشر محروم جامعه و شرکت در جهادسازندگی سر از پا نمی‌شناختند. حضرت امام خمینی فرمود: «در این جهادسازندگی که گاهی وقت‌ها می‌بینم خانم‌ها رفتند و مشغول شدند، خوب، البته از خانم‌ها ساخته نیست که مثل یک رعیتی، مثل اشخاصی که ورزیده‌اند، در امور کار کنند، لکن همان رفتنشان در بین آن رعایا و بین کشاورزان، همان رفتن و اشتغال پیدا کردن، به همان مقداری که می‌توانند، این باعث می‌شود که قدرت آنها چند مقابل بشود. وقتی آنها ببینند که از شهرها خانم‌های محصل، خانم‌های محترم آمدند و در دهات مشغول کمک هستند به برادرهای خودشان، قدرت آنها چند مقابل می‌شود و این یک عمل بسیار ارزشمند است ولو عمل خودش به حسب حجمش کوچک باشد، لکن حجم معنوی خیلی زیاد است».

۲ـ حضور زنان در صحنه انقلاب اسلامی

حضور پرشور در صحنه انقلاب اسلامی از افتخارات بزرگ زنان مسلمان ایران اسلامی است. آنان در همان روزهای نخستین انقلاب وارد میدان مبارزه شدند و با جهاد خود قدم به قدم، انقلاب اسلامی را یاری کردند. زنان با عزمی استوار علیه طاغوت و استکبار جهانی به صحنه مبارزه آمدند و دین خود را نسبت به اسلام و انقلاب به‌خوبی ادا کردند. امام خمینی خطاب به بانوان فرمود: «شما خواهران در این نهضت سهم بسزایی داشته‌اید.» «شما سهم بزرگی در نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید.» آن حضرت به این حضور می‌بالد و افتخار می‌کند و می‌فرماید: «ما باید امروز که روز زن است... به زنان خویش افتخار نماییم. چه افتخاری بالاتر از اینکه زنان بزرگوار ما در مقابل رژیم ستمکار سابق و پس از سرکوبی آن، در مقابل ابرقدرت‌ها و وابستگان آنان، در صف اول، ایستادگی و مقاومتی از خود نشان دادند که در هیچ عصری چنین مقاومتی و چنین شجاعتی از مردان ثبت نشده است».

■ **پیشگام در انقلاب اسلامی**

زنان در انقلاب اسلامی، پیشگام و جلودار نهضت بودند و پیشاپیش مردها در صفوف تظاهرات خیابانی علیه نظام طاغوت حرکت می‌کردند. زنان مسلمان در تمامی نهضت‌ها و حرکت‌های اسلامی پیشقدم بودند: «در مساله تنباکو پیشقدم بودند. در مساله مشروطیت پیشقدم بوده‌اند و بحمدالله زن‌ها در این جمهوری اسلامی چنانچه در همه مسائلی که عمومی پیش آمده است، برای ایران پیشقدم بوده‌اند».

«در مملکت ما این‌طور شد که بانوان همدوش بلکه جلوتر از مردها از خانه‌ها بیرون آمدند و در این راه اسلامی زحمت کشیدند و رنج دیدند، جوان دادند، شوهر دادند، برادر دادند، معذلک رنج کشیدند، عمل کردند، پشتیبانی از اسلام کردند و مردها هم به تبع زن‌ها این کار را کردند».

«زن‌های محترم متعهد ایران پیشاپیش مردان به میدان رفتند و سد عظیم شاهنشاهی را در هم شکستند و ما و همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم».

■ **نقش هدایتگری و تشویق مردها**

زن‌ها در انقلاب اسلامی نقش هدایتگری داشتند و با حضور خویش در صف مقدم تظاهرات، انگیزه قیام و حضور در تظاهرات و مقابله با طاغوت را در مردها و جوان‌ها به وجود آوردند. احساس‌برانگیز بودند و الهامبخش، مردان را تشویق کردند و به جوان‌ها جرات و شجاعت بخشیدند: «ما نهضت خودمان را مدیون زن‌ها می‌دانیم. مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را. خودشان در صف‌های جلو بودند». «مردهای ایران از مخدرات ایران، از بانوان ایران عبرت گرفتند و تعلیم گرفتند». «بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرأت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانم‌ها هستیم». به واسطه حضور زنان در صحنه، غیرت مردانگی و احساسات در مردان برانگیخته می‌شود و همین موجب می‌شود سستی و ترس را کنار بگذارند و با شجاعت قدم در میدان بگذارند. امام فرمود: «در مردها یک حسی است که اگر ببینند زن‌ها بیرون آمده از خانه‌ها برای یک مقصدی، اگر قوه‌شان یکی باشد، ده تا می‌شود». «اگر چنانچه یک عده از زن وارد بشوند در، فرض کنید یک محلی که محل جنگ است، علاوه بر اینکه خودشان جنگ می‌کنند، مردها را که یک احساسی دارند نسبت به زن‌ها، حساسیت دارند نسبت به زن‌ها، مردها را، قوه‌شان را دوچندان می‌کنند. این طور نیست که اینها اگر فرض کنید بروند دفاع کنند، فقط خودشان دفاع کرده‌اند؛ خیر! دفاع کرده‌اند، خودشان دفاع کرده‌اند و دیگران هم به دفاع وارد کرده‌اند. مرد حساس است نسبت به زن. مرد اگر صد نفر مرد را ببیند که می‌کشند، ممکن است خیلی چیز نشود اما اگر یک زن را ببینند که بی‌احترامی می‌کند حساسیت دارد ولو اجنبی باشند، آن زن، هیچ کار هم به او نداشته باشد. این یک حساسیتی است که مردها دارند... (این) اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر وارد بشوند، مردها هم‌قوی‌تر بشوند».

■ **ایثار جان و فرزند**

بچه‌های خردسال در آغوش مادران، با اسلحه دژخیمان شاه پرپر می‌شدند، و جوانان و نوجوانان در پیش رویشان بر زمین می‌افتادند و خون سرخ شهیدانشان سنگفرش‌های خیابان را رنگین می‌کرد اما آنان چون زینب کبری(س) تن به رضای خدا داده و پرصلابت و استوار در مقابل ستمگران می‌ایستادند و با ایثار جان و فرزند و صبر در مصیبت‌ها، احساس رضایت در انجام وظایف خویش داشتند. امام راحل ایثارگری‌های این قشر از جامعه را اینچنین بیان می‌دارند: «شما در چه تاریخی چنین دیده‌اید؟ امروز زن‌های شیردل طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می‌روند. در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است؟» «در تظاهرات خیابانی، زنان ما بچه‌های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک، توپ و مسلسل به میدان مبارزه آمده‌اند».

■ **ایثار مال**

زنان در ایثار جان و فرزند در انقلاب پیشقدم بودند. در ایثار مال هم بر مردان سبقت جسته بودند. آنان آنچه ذخیره داشتند و با قناعت جمع کرده بودند، در طبق اخلاص گذاشته، تقدیم مستضعفان و محرومان کردند. امام چه زیبا زنان مومن و عفیف را در ایثار مال معرفی می‌کند: «زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی. این طبقه محترم زن‌ها که در جنوب تهران و در شهر قم و در سایر شهرها هستند، همین خانم‌های محجبه، همین‌ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیشقدم بودند و در ایثار مال هم پیشقدم. ایثار کردند جواهرات و طلاهایی که دارند برای مستضعفین دادند. عمده در این امور آن قصد پاک است».

«خداوند شما مومنات را حفظ کند که در نهضت اسلامی خط کافی داشتید و الان هم برای مستمندان کمک کردید و کمک‌های شما بسیار باارزش است. کمک‌های بانوان ارزشش چند برابر کمک‌های مردان است. خداوند شما را حفظ کند».

«اینها طلاهای خود را که ذخیره ۵۰ سال، ۲۰ سال، ۳۰ سالشان بود، آمدند برای مستمندان دادند. شما چه کردید؟ شماها چه کردید؟»

■ **پشتوانه انقلاب و اسلام**

چنانچه پیشگامان انقلاب یعنی آنان که سهم بزرگی در انقلاب داشتند و با ایثار جان و فرزند و مال، گوش به فرمان امام خمینی بوده و در تمام صحنه‌های انقلاب اسلامی حضور داشته، این حضور را تداوم بخشند و سستی و بی‌اعتنایی به خود راه ندهند، یقینا انقلاب اسلامی بیمه خواهد شد. بنیانگذار انقلاب اسلامی بارها این مساله را بیان داشته و از زنان به عنوان پشتوانه انقلاب و اسلام یاد کردند: «ملتی که بانوانش در صف مقدم برای پیشبرد مقاصد اسلامی هست، آسیب نخواهد دید.» «شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید. من امیدوارم که باز شما در صف مقدم باشید و این نهضت را به آخر برسانید که حکومت اسلامی ان‌شاءالله تأسیس بشود و تمام اقشار ملت، تمام مستضعفین به حقوق حقه خودشان برسند. خداوند شماها را حفظ کند و برای اسلام و مسلمین نگهدارد».

۳ـ انگیزه حضور زنان در انقلاب اسلامی

زنان و مردان مسلمان در ایران با انگیزه الهی انقلاب کردند. آنان خواستار حکومت اسلامی و احیای اسلام ناب محمدی(ص) و زنده شدن نام قرآن و ائمه اطهار(ع) بودند. از این رو با نام فاطمه زهرا(س) و زینب کبرا و امام حسین(ع) به خیابان‌ها می‌ریختند و تظاهرات راه می‌انداختند.

■ **عشق به اسلام و قرآن**

کسی زنان مسلمان را مجبور نکرده بود کودکانشان را در آغوش گرفته، در مقابل توپ و تانک و مسلسل‌های رژیم طاغوت بایستند. آنان به خاطر مقام و قدرت و ریاست، خود و فرزندانشان را در معرض خطر قرار ندادند، بلکه عشق به اسلام و قرآن و پیشوایان معصوم بود که آنان را به صحنه کشاند. عشق به فاطمه زهرا(س) و زینب کبرا بود که زنان مسلمان ما را انقلابی کرد. امام راحل انگیزه زنان مسلمان را عشق به اسلام و قرآن بیان داشته است: «ملت ما عاشق اسلام بود که در همه اطراف با دست تهی سینه‌های خودشان را سپر کردند، جوان‌های خودشان را بردند در میدان، زن‌ها و مردها رفتند و مبارزه کردند و پیروز شدند.» «خانم‌ها برای اینکه یک چیزی مثلا دستشان بیاید یا فرض کنید که صاحب منصب بشوند، نمی‌آیند بیرون، خودشان و بچه‌هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانم‌ها را آورده است بیرون و همدوش مردها بل جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرد.» «این قدرت ایمان است که شماها را به خیابان‌ها کشید و بانوان را به خیابان‌ها و ارزش عمل همین است».

■ **استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی**

شعار زنان ما در انقلاب اسلامی ۳ کلمه بود: استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. آنان خواستار استقلال بودند و می‌خواستند زیر سلطه هیچ کشور و قدرتی نباشند و می‌خواستند آزاد باشند یعنی در سایه اسلام زیست کنند، بنده خدا باشند و عبد و ذلیل دیگران نباشند. جمهوری اسلامی یعنی حکومتی براساس اسلام ناب محمدی(ص) می‌خواستند که ارکانش را توحید و عدل الهی تشکیل داده باشد و ولایت خدا و پیامبر بر آن حاکم شود. امام امت فرمود: «زن و مرد زحمت کشید، به خیابان‌ها ریخت، جورها کشید، خون‌ها داد که اسلام را زنده نگه دارد، برای اسلام خون داد، برای شهادت داوطلب شد... آنکه به او رأی داد ملت ما، جمهوری اسلامی بود، اسلام مورد نظر بود». «آنکه از سراسر کشور فریادش در خیابان و در کوچه‌ها و در مدارس و در همه جا بلند بود، این بود که استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی. این ۳ کلمه سر زبان همه بود».

■ **الگوپذیری از حضرت زهرا(س) و زینب کبرا(س)**

زنان مسلمان ایران با اقتدا و الگوپذیری از حضرت فاطمه زهرا(س) و دخت بزرگوارش زینب کبرا(س) وارد نهضت شدند و در مقابل طاغوت ایستادند و از اسلام و قرآن دفاع کردند. بنیانگذار انقلاب اسلامی فرمود: «فردا روز زن است... روز زنی است که دخترش «حضرت زینب(س)» در مقابل حکومت‌های جبار ایستاد و آن خطبه را خواند... زنی که در مقابل یک جباری ایستاد که اگر نفس مردها می‌کشیدند، همه را می‌کشتند و نترسید و ایستاد و محکوم کرد حکومت را، یزید را محکوم کرد... زن یک همچو مقامی باید داشته‌باشد».

«زن‌های عصر ما بحمدالله شبیه به همان‌ها (فاطمه زهرا(س) و زینب کبرا(س)» هستند. ایستادند در مقابل جبار با مشت گره کرده، بچه‌ها در آغوششان و به نهضت کمک کردند».

«ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب‌گونه(علیها سلام الله) فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند، بالاتر از جنات نعیم است، چه برسد به متاع ناچیز دنیا».

۴ـ ویژگی زنان انقلابی

زنان مسلمان و انقلابی که با جهاد در راه خدا، سلطنت ۲۵۰۰ ساله طاغوت را سرنگون کردند و تاریخ را دگرگون کردند، از منظر حضرت امام خمینی دارای این خصایل ارزنده بودند: شیردل و شجاع. «ما همگی مرهون شجاعت‌های شما زنان شیردل هستیم.» «مادران شجاع فرزندان اسلام خاطره جانبازی و رشادت زنان قهرمان را در طول تاریخ زنده کردند. در چه تاریخی اینچنین زنانی را سراغ دارید، در چه کشوری؟»

■ **مظهر حجب و عفاف**

زنان انقلابی کسانی بودند که با حجابی کوبنده و عفتی زیبنده وارد صحنه مبارزه شدند و همین برای دشمنان انقلاب اسلامی بیش از هر چیز شکننده و کوبنده بود: «همین‌ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیشقدم بودند».

■ **مظهر خلوص**

زنان مسلمان در انقلاب اسلامی پیش از مردان اخلاص داشتند. از این رو ارزش اعمال آنان نیز بیشتر بود: «خواهرهای ما که در عصر نهضت شرکت داشتند، ارزش اعمال آنان بیشتر بود از ارزش اعمال مردها. آنها از پرده‌های عفاف بیرون آمدند و با پرده عفاف با مردان همصدا شدند و پیروزی را تحصیل کردند حالا هم با قصد خالص آنچه در ایام عمر تهیه کردند، برای مستمندان دادند. این ارزش دارد، متمکنین اگر میلیون‌ها بدهند، به قدر ارزش این نیست».

■ **از طبقات محروم و جنوب شهرها**

زنان انقلابی از طبقات محروم و مستضعف و به اصطلاح جنوب شهری بودند: «این زن‌های اطراف شهر قم و زن‌های جنوب تهران و زن‌های جنوب همه شهرستان‌ها (جنوب به معنای اینکه شما (غرب زده‌ها) می‌گویید اینها از طبقه پایین هستند) اینها حقوق بشر را می‌دانند و عمل می‌کنند... شماها چه کرده‌اید؟» «همین زن‌های محترم و مردهای عزیز محترم بودند که از طبقه محروم در آن رژیم بودند، اینها بودند که توانستند این قدرت شیطانی را بشکنند و این سد را خرد کنند و اینها هستند که از این به بعد باز تکلیف دارند».

■ **تربیت شده اسلام**

«آنها که قیام کرده‌اند، همین زن‌های محجوبه جنوب شهر قم و سایر بلاد اسلامی بودند. آنها که به تربیت آریامهری تربیت شدند، ابدا در این امور دخالت نداشتند. آنها تربیت‌های فاسد شده بودند از تربیت‌های اسلامی آنها را دور نگه داشتند. اینهایی که تربیت اسلامی داشته‌اند، خون دادند، کشته دادند، به خیابان‌ها ریختند، نهضت را پیروز کردند».

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ ایثار و شهادت

اشاره

انقلاب اسلامی هنوز جوان است

به انقلاب ۵۷ فرصت بدهیم

محمدرضا کردلو: انقلاب‌ها مثل توفان می‌مانند. کسی نمی‌داند بعد از توفان این ویرانی است که بیشتر جلوه‌گری می‌کند یا رنگین‌کمان آزادی است که چشم‌ها را خیره می‌کند. در میانه قرن بیستم و پس از جنگ‌های جهانی خسارت‌بار انقلاب‌های فراوانی در کشورهای مختلف روی داد. مستعمرات فراوانی حداقل در نام و نشان استقلال یافتند اگرچه همه اینها حاصل انقلاب نبود.

این اتفاق در ایران هم افتاد. انقلاب ایران که شاه به «شنیدن صدای آن» اعتراف کرد، کمی متفاوت‌تر بود. ایران سال‌های سال تحت استبداد و خودکامگی پادشاهان و سلاطین بسیاری بود و مردم، مردم نبودند. رعیت‌هایی بودند که باید به تب اربابانشان می‌مردند و با شادی او قهقهه می‌کردند. شاید همین حس تلخ مشترک بود که آنها را مجتمع کرد، شاید هم چیزهای دیگر.

اما انقلاب ایران آرمان‌های مطمئنی داشت. این روزها همه سوال می‌کنند که آیا آن تلاش‌ها به ثمر ننشسته است یا آن خون‌ها پایمال شده است؟ عبارتی که شاید این روزها برخی آن را به طنز بگیرند، وجود دارد؛ «این بود آرمان‌های ما؟» اما ماجرا این است که حقیقت انقلاب والاتر از واقعیت امروز است. به اشارات امام خمینی، رهبر و بنیانگذار این انقلاب که می‌نگریم، عبارتی ارزشمند می‌یابیم که فاصله میان آرمان و واقعیت را برای دنبال‌کنندگان حقیقت انقلاب روشن می‌کند. در فرازی از وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی به این عبارت برمی‌خوریم؛ «اینجانب هیچگاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی بر خلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند.» این واقع‌نگری ارزشمند نکته‌ای است که کمتر از سوی مسؤولان و معرفی‌کنندگان انقلاب به نسل جدید مورد تاکید قرار گرفت. طبیعی است که پس از هر انقلابی «انحراف»هایی به وجود می‌آید. نمونه کامل آن انقلاب بزرگ رسول‌الله در ۱۴۰۰ سال پیش که با همه دلایل و منطق و برهان محکم از سوی برخی چنان به انحراف کشیده شد که نواده همان رسول‌الله به دست مردمی به شهادت رسید که قربه‌الی‌الله به کربلا آمده بودند. انقلاب‌ها همیشه دستخوش امتحان بوده‌اند و اتفاقا به تجربه تاریخ بیشتر آنها به ورطه انحراف و تباهی کشیده شده‌اند. انقلاب جوان ایران هم از این آفت بی‌بهره نیست. در همه این سال‌ها به انقلاب بالیده‌ایم و به «خون دل‌ها که خورده‌ایم» و «رنج‌هایی که برده‌ایم» خود را بدهکار آن دانسته یا ندانسته‌ایم و برخی حتی آن را به تجربه طبیعی تاریخی و یک امر جبری تقلیل داده‌اند. با همه این اوصاف آنچه مهم است آسیب‌شناسی انقلاب برای ادامه مسیر است. اینکه این انقلاب آنچه اسلام می‌خواسته به طور تمام و کمال به عمل درآورده را که امام گفته است. حرف‌های جدیدتری بزنیم. خودمان را اصلاح کنیم و تلاش کنیم. رهبری انقلاب هم در بیانی در یک سخنرانی در جمع جوانان اصفهان در آبان ماه سال ۸۰ همین نکته را تایید می‌کنند: «اگر کسی در مقابل جوانان ادعا کند و بگوید نظام اسلامی ما هیچ عیبی ندارد و همان قالبی را که اسلام خواسته، ما پیاده می‌کنیم، گزاف گفته است. به هیچ وجه اینطور نیست... اما آنچه که حقیقت است، این است که ما به عنوان مسلمانانی که راهمان را شناخته‌ایم، تصمیم خود را گرفته‌ایم و نیروی خود را برای این راه گذاشته‌ایم؛ با همه وجود در این راه حرکت می‌کنیم و ادامه خواهیم داد.» پس ما می‌مانیم و انقلاب و راهی که باید برویم. انقلاب ما خیلی جوان است. ناصرالدین شاه قاجار به تنهایی ۵۰ سال سلطنت کرد و انقلاب ما هنوز ۳۶ سال بیشتر عمر نکرده است. انقلاب ۵۷، خط بود، نقطه نبود. خطی که حالا به ما که نقطه‌ای هستیم رسیده است و ما مختار نیستیم پایان خط باشیم؛ نقطه‌هایی هستند بعد از ما و پر رنگ‌تر از ما که خط را خواهند دید. ما نقطه‌ایم. نقطه‌ای که روی خط معنا پیدا می‌کند. روی خط انقلاب.

۰۹۲۰۳۰۳۳۹۳۰

ارتباط با ما در شبکه‌های اجتماعی